



کار لوله کشی تهران - احداث  
پارک سنگلج

آغاز لوله کشی عملی تهران را باید روز ۱۳۲۷/۸/۹ دانست و مصادف همان ایام شاهنشاه امر فرمودند در کار ایجاد سد کرج مطالعه شود. این امر به هم فوراً بموقع اجراء گذارده شد و مطالعات اولیه آن با همکاری شهرداری تهران و شرکت آبیاری شروع شد. سپس با تأمین اعتبار طولی نکشید که آبگیر و خزانه سد کرج منبع اساسی لوله کشی تهران شد و سپس با تنظیم برنامه های عمرانی که باز هم همت بلند شاهنشاه پشتوانه اصولی آن بود لوله کشی شهرها و روستاها نیز آغاز و انجام یافت که باید حقاً آنرا منشاء حیات و زندگی مردم این سرزمین دیرپای کهن سال دانست و هم اکنون روزی نیست که در روز نامه ها و اخبار مزده لوله کشی و اصلاح وضعیت آب آشامیدنی بخش ها و دهکده ها را نخوانیم یا نشنویم.

البته در آن موقع شروع لوله کشی تهران - برای محل ساختمان اداره لوله کشی و سایر مراکز آنها نزدیک پانصد هزار متر مربع زمین در بهترین نقاط شهر دست و پا شد که حقاً امروز میلیاردها ریال ارزش آنست.

در روز افتتاح لوله‌کشی هم که بدست توانای شاهنشاه با تشریفات جالبی انجام گردید، کتابی نیز انتشار یافت که نسخه ای از آن را باین‌جانب‌دادند ولی نامی ازدولت-آبادی در آن نبود. اما من امروز فرض ذمه خود می‌دانم که از توجه مخصوص شاهنشاه آریامهر سپاسگذاری نموده مساعدتهای مالی بانک ملی و شخص ابتهاج و فعالیتهای آقایان مهندس میکده - مهندس بیانی - مهندس روحانی - مهندس ظهیری - مهندس کهکشان و دیگر همکارانمان را یادآور شوم و برای خدمتگذاران صدیق کشور و شاهنشاه و مردم سر-بلندی و سعادت آرزو نمایم. همچنین خدمت ارزنده شرکت الکساندرکیپ را تقدیر نمایم.

اما احداث پارک سنگلج - این موضوع حقیقت مسلم و مثلی معروف است که پارکها ریه شهر است و برای شهر های پر جمعیت ایجاد باغهای بزرگ و پارکهای مشجر یکی از لوازم حتمی زندگیست.

در تهران هم که امروز پایتخت بزرگ کشور و یکی از شهرهای زیبای خاورمیست از دیدرگاه باغات بزرگ و قصرهای مجلل پر آب و درخت بوده است که برخی از آنها را یاد آور می‌شوم.

پارک لاله‌زار - گلستان - نگارستان - نظامیه - ظل السلطان - شاع السلطنه - اتابک (که هم اکنون سفارت شوروی است) - سفارت انگلیس - سفارت بلژیک - باغ علاء الدوله - پارک امین‌الملک و صدها باغ و قصرهای دیگر که هر یک قنات مستقل و درخت بسیار و هوای آزاد داشته است در صورتیکه از شصت سال پیش تا حال جمعیت تهران روز افزون بوده و از شصت هزار نفر آرزو به میلیون و نیم نفر امروز رسیده است یعنی بیش از پنجاه برابر شده است در صورتیکه آن باغ بجز زمان تقسیم و تبدیل بخانه های چند صد متری گردیده است. قناتها نیز خشک شده و درختها از بین رفته است.

بنابراین چاره کار فقط و فقط ایجاد پارکهای عمومی است که تا بیست سال پیش متأسفانه در این باره کاری نشده بود و در این ده سال اخیر خوشبختانه مانند سایر کارهای عمرانی و آبادانی کشور مورد توجه خاص قرار گرفته است و پارک فرح که در جای اسپریس جلالیه ایجاد شده شکوه خاص بشمال غرب تهران داده است.

پارک صاحب‌قرانی هم در شمیران زیبا و جالب است البته بیشتر و کم در سایر نقاط هم باغها و باغچه های تفریحی ایجاد شده است ولی هنوز کافی نیست و اگر در قسمت باقیمانده باغشاه هم پارکی ایجاد گردد بسیار بموقع خواهد بود.

اما پارک سنگلج. این محل در اواخر دوران سلطنت اعلیحضرت فقید بنام میدان بورس خریداری و کار خرابی آن هم شروع شده بود ولی در سالهای اول جنگ مشغوم

بصورت خرابه هولناکی در وسط شهر درآمده بود که آنجا حوادث ناگواری هم پیش آمد و بالاخره قبل از تصدی این جانب در شهرداری شصت هزار متر مربع آن دیوار کشی شده بود. بدون آب و درخت نزدیک دوست هزار متر مربع دیگر هم میان وزارتخانهها و غیره تقسیم گشت، اما روز سوم تصدی این جانب در شهرداری یعنی اول اسفند ماه ۱۳۲۶ پس از کسب اجازه از مقام سلطنت دستور دادم دیوارهای ساخته شده در محدود شصت هزار متر را بکلی خراب کرده و تمامی مساحت نزدیک دوست و پنجاه هزار متر آنرا دیوار کشی کرده و نقشه جامع آنرا برای اینکه مصون از تجاوز بماند بصحه همایونی رسانیده و با فقر مادی شهرداری ترتیب ساختن نرده های آهنی آنجا را داده یک حلقه چاه عمیق که هشت اینچ آب میداد در آن حفر و درختکاری شد و با شروع خیابان کشی و باغچه بندی آن مجسمه اعلیحضرت محمد رضا شاه سوار بر اسب تهیه و در وسط آن نصب گردید. عجب اینکه مردم غافل بخصوص عیبجویان معترض بودند که چرا با این کمبود خانه این زمین رانمی دهید بمردم ساختمان کنند، دفاع از این کار هم یکی از اشتغالات روزانه من بود. بیاد دارم با یکی از اعضاء وزارت پست و تلگراف در ظرف دو ماه هشت نامه رد و بدل کردم بالاخره یک روز او را دعوت نمودم به شهرداری و بعد از یک ساعت بحث و استدلال که شهر باغ می خواهد باز هم قانع نشد و باو گفتم من این کار را خواهم کرد. شام هر چه از دست و قلمنان برمی آید بکنید.

بالاخره آن پارک در وسط شهر ایجاد شد و هنوز افرادی که در اطراف آن جا سکونت دارند هر وقت بمن میرسند اظهار مسرت و سپاسگزاری مینمایند.

مخصوصاً بیاد دارم روانشاد دکتر امیر اعلم که یکی از شخصیت های ممتاز و انسان بنام معانی کلمه بود آمد در شهرداری و اظهار داشت که امروز آمده ام از اقدام شما بتأسیس پارک سنگلج سپاسگزاری کنم و هر وقت مرا در مجامع مختلف میدید باز هم ابراز محبت می کرد. ایکاش دیگر مادر گیتی می توانست مانند او را بجامعه تحویل دهد. درست بخاطر دارم که این دومین بار است تا در یادداشت های خاطرات وحید نام آن رادمرد جلیل و همکار بزرگوار دیگرش مرحوم دکتر محمد حسن لقمان ادهم (لقمان الدوله) بر قلم می آید که هر دو حقاً از مفاخر رجال این کشور و طبیبانی عیسوی نفس بودند.

البته بعدها در ساختمان گلخانه و آب نماهای آن و دیگر تأسیساتش شهرداران بعدی مخصوصاً آقای مهام توجه و اقدام کردند که شایان تقدیر و یادآوری میباشد.

اما داستان سیل ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۶

در آن سال بارندگی مفیدی نشده و همه را نگران ساخته بود اتفاقاً در بهمن و اسفند چندین باران مفید آمد بخصوص روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفند که سیل آسا در تهران بارید و ریزش مداوم باران موجب طغیان آب در مسیل ها گشت و نگرانی شدید بار آورده بود که هنوز هم باتمام جدیت و اقدامات مفید شهرداری بعلت شیب تند دامنه های البرزاین خطر برای شهر تهران مخصوصاً جنوب شهر باقی میباشد مگر اینکه يك شبکه سیل طولی و عرضی با نقشه صحیح طرح و ایجاد شود .

خلاصه اینکه صبح زود ۲۹ اسفند تلفون زنگ زد گوشى را که برداشتم تیسار سرتیپ مهنا که آن موقع فرمانده تیپ هواپیماهای شکاری بود « و مردی جدی و درست کار می باشد که بعدها سر لشکر و مقامات بالاتر را احراز کرد اکنون هم قطعاً بازنشسته و خانه نشین است » بمن اطلاع داد که همین ساعت هواپیما های مشقی ما اطلاع دادند که سیل مهیبی از دره های البرز بجانب شهر تهران روان است که اگر جلوگیری و چاره جوئی فوری نشود خسارات سنگین و تلفات جانی زیاد خواهد داشت این جانب با وجود گرفتاری های زیاد شب عید فوراً از جای برخاسته با اتفاق آقای نصرت الله همایون مدیر کل امور شهر که مردی صمیمی و با همت بود و دیگر همکاران صمیمی خود که از میان آنها آقای دمبلی را نام میبرم بتدارک چندین هزار گونی اقدام و تعداد زیادی نجار با چوب بردیم که دهانه مسیل های شرقی شهر را با منجنیق مرتفع و کیسه های شن بسته نگذاریم سیل بجانب خانه های شهباز و شهناز سرایت نماید.

ضمناً چند دسته کارگر و مقنی گذاردم دهانه قناتهای شرقی شهر را که آنروز آب آشامیدنی شهر منحصر بهمین قناتها بود در داخل مسیل ها طوقه بندی کردند یعنی یکی دو دهانه چاهها را شکافته سر آن را با تیر و شفته آهک پوشانیده و دوباره شن و خاک ریختند از این قناتها نام قنات سنگلج ، نظامیه ، مجلس ، حاج علی رضا ، آب سردار ، دارآباد ، امامیه ، اکبر آباد ، دولا ب ، سلیمانیه را بخاطر دارم که اگر سر آنها در مسیل ها پوشیده نمیشد علاوه بر خرابی قناتها و بی آب ماندن دو ثلث معموره شهر از همان چاهها است بساختن آنها سرایت می کرد و معلوم نبود تلفات جانی و خسارت مالی آن تا چه حد بود . البته افراد لشکر دورا هم بهمکاری دعوت و حفاظت مسیل حشمتیه را به آنها سپرده هزاران کیسه شن مرتب روی مسیل گذارده میشد تا آب بداخل سرباز خانه و از آنجا بشهر فریزد .

بطور خلاصه این سیل نزدیک ظهر بشمال شهر رسید و هر دقیقه روبازدید بود . در چند نقطه مأمور و مهندس بمراقبت گذاشته بودم که وضعیت ارتفاع آب را اندازه گیری

لموده اطلاع دهند ضمناً يك دستگاه گریدر هم مایر عبدالله مقاطعه کار داشت که آنرا آوردیم و دایم کف مسیل را میشکست که گل ولای نگیرد و آب کش آن سالم بماند .

اما جریان آب در چهار بدم از ظهر تا ساعت ۹/۵ شب روبازدیاد بود تا جائی که روی جاده غربی در فرو رفتگیهای تاسی سائیمتر آب افتاده بود آن شب هم ساعت ۹ سال تحویل می شد و قرار بود جناب ابراهیم حکیمی نخست وزیر که راستی از مردان نیک بود با هیئت دولت و این جانب در کاخ شهری تحویل سال را حضور شاهنشاه شرفیاب باشیم ولی تا ساعت ۹/۵ که آب فرو نشست من شخصاً مراقب کار سیل بودم در مراجعت از آنجا هم با اتومبیل عبور از راه شوسه ده که آنوقت اسفالت نبود ، امکان نداشت . لذا فرستادم از قرح آباد اسب آوردند و بعد از ساعت ده خود را بدربار برای عرض گزارش کار رسانیدم و اگر آن اعلام خطر و اخبار تیمسار سر لشکر مهنا نبود که بما مجال ۸ ساعت کار و فعالیت مثبت داده معلوم نبود چه میشد اینجاست که ارزش تشریک مساعی و همکاری و علاقمندی معلوم و روشن می شود .

تاریخ ۱۳۴۷/۱/۹  
منبیه



شهرداری تهران

شماره ۱۳۴۳

لوله کشی آب تهران

مهندسين مشاور سراسرکند و کيب و شرکاء کوهين انزليج  
و مستظهير لندن

در صورتیکه فروشندهگان مصر باشند شهرداری  
تهران با شرایط مندرج در نامه JNBA/MP

مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ نسبت به پیمان خرید صورت  
حساب شماره دوازده قرارداد شماره ۴ موافق است در

همین حال طبیعی است که شهرداری بقبول شرایط  
پیشنهادی خود مندرج در نامه ۱۱۷۱/۱ مورخ

۲۵/۷/۱۳۲۷ از طرف فروشندهگان چند و فولاد کاملاً  
ذیصلاح است و اگر از طرف فروشندهگان قبول شود موجب

تشکر است .

شهردار تهران

دولت آبادی

بیارعب احمد زان احمد

۱۷/۱

مقام مدیریت کل

چنانچه بمن مفاد ارسال شده  
به ستانج (روز پنجم ۲۷/۱/۴۷)  
را به درباریه سراسرکند مقاطعه کار و اطلاع  
فرابنده ز سر و چون مفاد منتهی  
انصاف و ارسال شده است منتهی  
این مفاد منتهی به اردو منتهی  
۱۳۴۷/۱/۹